آبنبات هل‌دار

ترکیبی هوشمندانه از طنز و نوستالژی

گروه فرهنگی / ترکیبی از دو مقوله «طنز» و «نوستالژی» که با نگاهی طنازانه به گذشته نه‌چندان دور بنگرد و آیین‌ها و رفتارهایمان در سال‌های خاطره‌انگیز را پیش چشم‌هایمان بیاورد، ارزش آن را دارد که دوباره و چندباره خوانده شود. از این طریق هر بار خاطره‌ای دیگر و اغلب در مرز فراموشی در ذهن‌مان احیا شود و جان بگیرد و ما را ببرد به سال‌هایی که زندگی به‌رغم سادگی و دور از تجمل، شیرین بود و صفای دیگری داشت. این موضوع، محور اصلی داستان طنز «آبنبات هل‌دار» است.

داستان این کتاب، روایت طنازانه همان زندگی‌های پر از خاطره‌های شیرین و نوستالژیک در دهه شصت است که ما خوانندگان بزرگسال، سهمی از آن خاطرات داریم. خوانندگان نسل‌های جدید هم بارها این خاطرات شیرین را از زبان بزرگترهای خانواده و فامیل شنیده و ارتباطی بین این خاطرات و رفتار و گفتار افراد بزرگسال خانواده و فامیل می‌بینند. از همین بابت هم می‌توان مدعی شد که خاطرات طنز این اثر برای گروه‌های مختلف سنی قابل درک و خواندنی است.

راوی اصلی آبنبات هل‌دار، یک نوجوان ساکن شهرستان بجنورد از توابع استان خراسان جنوبی است که در یک خانواده نسبتاً پرجمعیت زندگی می‌کند. خانواده‌ای از طبقه متوسط شهری که هر یک از اعضای آن دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های خاص خود را دارند. پدر از کسبه محل است و مادر خانه‌دار و مادربزرگی با آنها زندگی می‌کند که بی‌بی صدایش می‌کنند و خواهر و برادری دیگر هم دارد. برادر بزرگتر در بحبوحه جنگ احساس وظیفه می‌کند به جبهه برود و با اتفاقاتی که در جبهه برایش رخ می‌دهد دغدغه اعضای خانواده به مراتب بیشتر هم می‌شود. با این حال، اعضای این خانواده در کنار سایر خانواده‌ها زندگی عادی خود را دارند. راوی داستان که پسربچه‌ای به نام محسن است، به دلیل روحیه بازیگوشی و شیطنت‌هایی که دارد باعث مفرح شدن فضای عمومی داستان می‌شود. او علاوه بر اینکه زندگی خود را تعریف می‌کند، نگاه طنازانه‌ای به گفتار و رفتار سایر شخصیت‌های داستان دارد. مجموع این حرکات و رفتارها، فضایی طنزی را ایجاد می‌کند. مجموع وقایع داستان، در قالب روایت‌های جداگانه اما به‌هم پیوسته است که فضای عمومی و شخصیت‌های واحدی دارند اما موقعیت‌های داستانی اغلب متفاوت و در زمان و مکان‌های جداگانه‌ای است.

یکی از ویژگی‌های داستان «آبنبات هل‌دار»، نشان دادن سادگی و صمیمیت در زندگی مردم ایران در دهه شصت است که به دور از هرگونه تجمل و گرفتاری‌های رایج در دهه‌ها و سال‌های اخیر، باوجود همه کمبودها و مشکلات موجود در آن زمان، از زندگی‌های ساده و سرشار از صمیمیت برخوردار بودند و آدم‌ها به‌رغم مشکلات خود، بیشتر پشت و پناه هم بودند و هر یک به سهم خود در برطرف کردن مشکلات و گرفتاری‌های دیگران نقش بسزایی داشتند.

نویسنده داستان «آبنبات هل‌دار» کوشیده است تا نشان دهد که چگونه آدم‌های دهه شصت با وجود آن همه مشکلات و گرفتاری‌های ناشی از جنگ تحمیلی، در مواجهه با انواع سختی‌ها، صبور بودند و هوای همدیگر را داشتند. یکی از نقاط قوت این کتاب را می‌توان، استفاده از زبان طنز برای بیان واقعیت‌های اغلب تلخ آن دوران دانست. در لابه‌لای وقایع داستان، خواننده این را درک می‌کند که چطور جنگ تحمیلی همه اتفاقات پیرامون زندگی افراد را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد؛ هرچند که روحیه بالای مردم در مواجهه با این پدیده ویران‌گر، نشان از استقامت مردمی دارد که تا پای جان آماده مقاومت و پایداری در برابر مشکلات ناشی از جنگ هستند. از سوی دیگر انتخاب یک راوی کم‌سن و سال که به‌رغم قرار گرفتن در فضای ملتهب جامعه درگیر یک جنگ، همواره در دنیای شیرین و خیال‌انگیز کودکی است و با نگاه طنازانه خود، وقایع پیرامون خود را آن‌گونه می‌بیند که برای خود و اطرافیانش خوشایند است هم به جلب نظر مخاطبان کمک کرده. او کاری با تلخی‌های بر جا مانده از جنگ ندارد، با آن که می‌بیند بخشی از دغدغه‌های خانواده‌اش معطوف به سرنوشت برادرش است اما سعی می‌کند بیشتر وقایع زندگی روزمره را ببیند که آمیخته با نگاه طنز او و اتفاقات تلخ و شیرین است و قدرت بالایی در تحکیم روحیه آدم‌های در آن شرایط سخت و دشوار دارد.

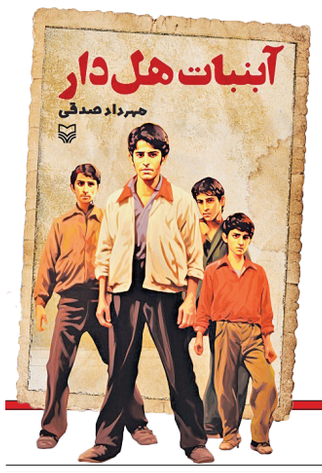

آبنبات دارچینی

بلوغ قهرمان طناز در اوایل دهه هفتاد

گروه فرهنگی / داستان کتاب «آبنبات دارچینی» به نوعی ادامه ماجراهای داستان «آبنبات هل‌دار» است که از نظر زمانی متأخرتر محسوب می‌شود. در این اثر، راوی داستان همان شخصیت محسن کم‌سن و سال در کتاب قبلی است که حالا کمی بزرگتر شده و یک دانش‌آموز دبیرستانی است که خود را برای شرکت در کنکور آماده می‌کند. خواننده از مطالعه همان سطرهای ابتدایی صفحه اول کتاب، متوجه می‌شود شخصیت‌ها و فضاهای داستان آشناست و البته لحن راوی که آمیخته به طنز است و ماجراهایی را یادآوری می‌کند. «آقاجان جلوی همه شلوارش را درآورد. البته یک بیرجامه زیر آن پوشیده بود و جورابش را روی پاچه‌های بیرجامه کشیده بود. شلوارش را همین دو دقیقه پیش پوشیده بود. نمی‌دانستم دیدن همین «صحنه» ساده بعدها سرنوشتم را عوض خواهد کرد.» مطالعه همین سطرها به خواننده یادآوری می‌کند که در کتاب حاضر هم قرار است ادامه ماجراهای کتاب قبلی را دنبال کند. البته در شرایط زمانی و مکانی تازه که طبعاً مختصات خاص خود را هم دارد. نویسنده خیلی زود، گذشت زمان و فاصله بین وقایع داستان قبلی و داستان فعلی را هم به خواننده کتاب خود یادآوری می‌کند. «من داشتم صبحانه می‌خوردم تا بروم دبیرستان.» پس معلوم می‌شود راوی داستان در این مجلد، سن و سال بالاتری پیدا کرده و حالا قرار است ماجراهای تازه‌ای از شرایط جدید را روایت کند. نویسنده برای این مجلد، از سلسله کتاب‌های خود با عنوان اولیه و مشترک «آبنبات»، ۱۵ روایت به هم پیوسته را تعریف می‌کند.

در اغلب روایت‌های این کتاب، راوی درگیر اتفاق‌های ریز و درشتی است که با بازیگوشی‌های خودش رقم خورده و معمولاً هم طنز و خنده‌دار است. با آنکه در این مجلد از قصه‌های محسن از سلسله رویدادهای نوستالژیک و آشنای دهه شصت خبری نیست و زمان به نیمه اول دهه هفتاد رسیده است، (زمان وقوع حوادث داستان‌های این کتاب بین سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۴ است) اما ردپای وقایع داستان قبلی را در این کتاب هم می‌توان دید. البته در شرایطی متفاوت که ته‌رنگی از وقایع دهه قبل را دارد. در این اثر، شخصیت‌های داستانی حدود یک دهه از عمر خود را پشت‌سر گذاشته و حالا در موقعیت تازه‌ای قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال، شخصیت ملیحه که در داستان قبلی دختربچه‌ای بازیگوش و خواهر بزرگتر از محسن است، حالا بزرگتر شده و ازدواج کرده و در آستانه مادر شدن است. اما نگاه راوی، شخصیت محسنِ در آستانه کنکور همان نگاه آمیخته با شیطنت و بازیگوشی است که هنوز هم بسیاری از وقایع پیرامون خود را جدی نمی‌گیرد و دوست دارد همان نگاه شوخ‌طبعانه خود به آدم‌ها و اشیای پیرامون خود را همچنان حفظ کند. بنابراین و به‌رغم تغییر زمان، زاویه نگاه راوی تغییر چندانی نکرده است. فضای عمومی داستان همچنان شاد و مفرح است و باز هم ردپایی از اندوه و ملال در لابه‌لای سطرهای داستان نمی‌بینیم. به اقتضای زمان و سن و سال بالاتری که محسن به مرور تجربه می‌کند، عواطف تازه‌ای هم کم‌کم در فضای عمومی داستان دیده می‌شود که در کتاب قبلی به ندرت دیده می‌شد. از جمله، عواطفی که محسن همزمان با بالارفتن سنش تجربه می‌کند. در این خصوص و از شخصیت‌های اثرگذار در وضعیت تازه محسن، می‌توان به شخصیت داستانی «دریا» اشاره کرد؛ دختری تقریباً هم سن و سال محسن که حضورش، هم نشان‌دهنده بلوغ عاطفی شخصیت محسن است و هم بارِ دراماتیک داستان را به مراتب بیشتر می‌کند، چون ذهنیت و نگاه درونی محسن را به مرور درگیر خود کرده و لایه دیگری از این شخصیت طناز را به نمایش می‌گذارد. از دیگر شخصیت‌های ویژه در این مجلد که راوی در بخش‌های پایانی، اتفاق‌های زندگی او را سرنوشت‌ساز توصیف می‌کند، عمه بتول است که زندگی او هم ماجراهای خاص خود را دارد.

گفت‌وگوی «ایران» با مهرداد صدقی درباره مجموعه رمان «آبنبات‌ها»

نمی‌خواستم باری به دوش خواننده بگذارم

کتاب

مریم شهبازی
روزنامه‌نگار

«آبنبات‌ها» عنوان رمانی پنج جلدی است که به همت مهرداد صدقی روانه کتابفروشی‌ها شده؛ مجموعه‌ای که کار تألیف آن تیرماه سال ۹۰ آغاز شده و بهمن‌ماه سال گذشته نیز به اتمام می‌رسد. سه جلد نخست آن با عنوان‌های آبنبات هل‌دار، آبنبات دارچینی و آبنبات نارگیلی به همت انتشارات سوره مهر، جلد چهارم با عنوان آبنبات پسته‌ای از سوی نشر چرخ و فلک منتشر شده و کار انتشار جلد آخر نیز با عنوان آبنبات لیمویی، دوباره به نشر سوره مهر سپرده شده که قرار است در نمایشگاه کتاب تهران عرضه شود. سه جلد نخست این مجموعه که محور گفت‌وگوی امروزمان با نویسنده رمان آبنبات‌ها را تشکیل می‌دهد، روایتگر ماجرای زندگی کودکی به نام محسن، شخصیت محوری این داستان‌هاست. او مصداق بارز یک کودک دهه شصتی است که در امتداد این رمان چندجلدی رشد می‌کند و هرآنچه از یک کودک و نوجوان دهه شصتی به ذهن‌تان خطور می‌کند در وجود او نهفته است. به بهانه تجدید چاپ سه جلد نخست این مجموعه با طرح جلدهایی تازه، گپ‌وگفتی با مهرداد صدقی، نویسنده مجموعه رمان آبنبات‌ها داشتیم که مشروح آن را می‌خوانید؛

> وقتی پای اقلیم خاصی به یک رمان باز می‌شود، از ظرفیت‌های فرهنگی آن نیز می‌توان بهره گرفت؛ کاری که من هم انجام داده و حتی از گویش رایج در بجنورد استفاده کرده‌ام، اما نه به شکلی که بتوان این مجموعه را داستانی بومی خواند چراکه ماجراهای این مجموعه را می‌شود در هر جغرافیای دیگری به تصویر کشید

● ایده تألیف این رمان چند جلدی چطور شکل گرفت؟

در پاسخ سؤال شما باید به ضرورتی اشاره کنم که از چندین سال قبل در تألیف چنین آثاری احساس می‌کردم. ماجرا به مدت‌ها قبل از آغاز تألیف جلد نخست مجموعه آبنبات‌ها بازمی‌گردد؛ به موقعی که خیلی از دوستان و اطرافیان، بخصوص آنهایی که گرفتار مشکلات زندگی امروزی شده بودند از من که می‌دانستند کتاب‌دوست هستم راهنمایی می‌خواستند؛ راهنمایی درباره اینکه چه کتابی بخوانند تا قدری حال‌شان بهتر شود. دنبال کتاب‌های روانشناسی زرد و بازاری هم نبودند! کتاب داستانی می‌خواستند؛ رمان و داستان، اما واقعیت این است که داستان‌های ایرانی، از دوره‌ای که قصه و داستان‌نویسی به سبک قدما جای خود را به سبک جدید داستان‌نویسی می‌دهد در فضایی تلخ ارائه شده‌اند.

● از دوره مشروطه به بعد که داستان‌نویسی نوین به ادبیات ایران راه پیدا می‌کند؟

بله. البته نه اینکه بخواهم ارزش ادبی این آثار، چه از نظر ساختار و چه از نظر مضمون آنها را زیر سؤال ببرم؛ بلکه گفته‌ام این است که فضای رمان‌های جدی فارسی اغلب تلخ هستند.

● البته اتفاق عجیبی هم نبوده، به هر حال اغلب نویسندگان و مترجمانی که در دوره مشروطه به بعد، آثاری از آنان به یادگار مانده است تحت‌تأثیر وضعیت آن دوران، فعالان سیاسی هم محسوب می‌شده‌اند!

درست است؛ بالاخره این تلخی، نشأت گرفته از اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی دهه‌های نخست ورود داستان‌نویسی مدرن به کشورمان بوده است. نکته دیگری که نمی‌توان از آن صرف‌نظر کرد این است که برای سال‌های زیادی، سنگینی سایه استعمار بر عرصه فرهنگ و ادب نیز خودنمایی می‌کرده است. اقلیم و مشکلات محیطی نیز مؤثر بوده؛ در گذشته مردم ایران با قحطی‌های متعددی روبه‌رو بوده‌اند که همین سبب بروز سختی‌های بی‌شماری در زندگی‌شان شده است. همه اینها نقش مؤثری در روان جمعی داشته‌اند.

● مصداق آثار نویسندگانی همچون امین فقیری و محمود دولت‌آبادی که به زندگی روستایی و حال‌وهوای حاکم بر آن پرداخته‌اند؟

دقیقاً و همین است که داستان‌های کوتاه، بلند و رمان‌های ما مملو از انعکاس این شرایط دشوار است. اغلب شخصیت‌هایی که در این آثار آمده‌اند، در زندگی شخصی‌شان هم افراد شکست‌خورده به تصویر کشیده شده و افسرده‌اند. البته بیشتر اینها نثرهای درخشانی دارند و از آن جهت بحثی ندارم. بیشتر بحث روانکاوی این ماجرا مورد نظرم است. بازگردیم به همان پاسخ سؤال نخست. من در جواب دوستانی که خواهان معرفی کتابی بودند که به بهبود حالشان کمک کند، کار چندانی از عهده‌ام ساخته نبود. همین شد که درصدد تألیف رمان‌هایی با حال‌وهوایی متفاوت برآمدم، داستانی که طبق روال عادی زندگی در آن برخی سختی‌ها و مشکلات هم آمده اما گذر از تلخی‌ها را هم نشان دهد. شخصیت اصلی این مجموعه، پسری است که سازگاری بالایی با شرایط دارد و روحیه‌اش نیز خیلی خوب است. به کمک همین مسأله قادر به عبور از سختی‌هاست. البته نه اینکه بگویم دست به منطقی‌ترین کارها می‌زند، نه! اما در اغلب مواقع با کمترین آسیب از گرفتاری‌ها می‌گذرد.

● آن پیشینه ادبی، شما را به تألیف آثاری کشاند که در عین حفظ ارزش‌های ادبی و ساختار، به بهبود حال مخاطبان نیز کمک کند؟

بله، در تألیف این کتاب‌ها به دنبال این بودم که حداقل باری به دوش خوانندگان احتمالی آثارم اضافه نکنم. این خط قرمز من در مجموعه آبنبات‌ها بود وگرنه در بخش‌های مختلف هر کدام از این کتاب‌ها، گاهی لازم به افزودن بر تلخی‌ها بود، اما این کار را نکردم. در مقابل روی مسائلی کار کردم که امیدبخشی را به مخاطبان القا می‌کرد.

● سن و سالی که شخصیت اصلی این مجموعه در دهه شصت دارد و از سویی بجنورد، شهری که به عنوان محل سکونت وی انتخاب کرده‌اید شباهت‌های زیادی به زندگی و زادگاه خودتان دارد؛ شخصیت محسن مجموعه آبنبات‌ها روایتی از گذشته خود شماست؟

به طور مستقیم درباره خودم نیست اما سن و سال محسن را عمدی همسن انتخاب کردم تا به جهان راوی تسلط بیشتری داشته باشم. در عین حال شهر زادگاهش را نیز محل زندگی خودم انتخاب کردم تا شرایط و محیطی را به تصویر بکشم که بیشتر لمس کرده‌ام تا سبب باورپذیرتر شدن اثر شود، اما داستان‌ها کاملاً ساختگی هستند.

● این مجموعه با ساختاری شبیه به خاطره‌نگاری‌ها نوشته شده، این هم برای نفوذ بیشتر به ذهن مخاطب بوده است؟

استفاده از زبان خاطره‌نگاری برای کمک به باورپذیرتر شدن وقایع داستان‌های مذکور بوده است.

● آقای صدقی! با وجود تأکیدی که بر اهمیت تألیف آثاری دارید که تلخی‌ها بر مضمون‌شان غلبه نداشته باشد، اما چرا بخشی از فضای داستان این مجموعه در دوره جنگ تحمیلی سپری می‌شود؟

> **برش**
>
> مهرداد صدقی، مصداق بارز یک کودک دهه شصتی است که در امتداد این سه‌گانه رشد می‌کند و هرآنچه از یک کودک و نوجوان دهه شصتی به ذهن‌تان خطور می‌کند در وجود او نهفته است. به بهانه تجدید چاپ سه جلد نخست این مجموعه با طرح جلدهایی تازه، گپ‌وگفتی با مهرداد صدقی، نویسنده مجموعه رمان آبنبات‌ها داشتیم.

بخصوص کتاب نخست که با دهه شصت آغاز می‌شود، دورانی است که در آن شاهد تبعات ناشی از حمله بعثی‌ها به کشورمان هستیم!

در این مجموعه، جنگ فقط بخشی از فضای حاکم بر زندگی شخصیت اصلی داستان را تشکیل می‌دهد و بر آن متمرکز نشده است. ما در جهانی زندگی می‌کنیم که کوچک‌ترین اتفاقی، در هر گوشه این کره خاکی بر وضعیت ساکنان همه کشورها اثر می‌گذارد. درباره ماجرای این مجموعه رمان هم این‌گونه است. در شهری که داستان آن شروع می‌شود، وضعیت جامعه و وقوع جنگ به گونه‌ای پیش می‌رود که حتی شخصیت‌های نوجوان مجموعه آبنبات‌ها را نیز درگیر می‌کند. این تأثیر جنگ بر زندگی آنهاست، نه اینکه کتاب به طور خاص بر این واقعه تاریخی نوشته شده باشد و به نوعی همه وقایع اثرگذار آن سال‌ها را شامل می‌شود.

● از همان ابتدا تصمیم به تألیف این داستان در خلال مجموعه‌ای چند جلدی گرفته بودید یا به مرور گسترش یافت؟

از همان موقعی که صفحه اول این مجموعه را می‌نوشتم تصمیم به ادامه آن تا پنج، شش جلد گرفتم. سه جلد آن با همراهی انتشارات سوره مهر منتشر شده، جلد چهارم را مؤسسه دیگری روانه کتابفروشی‌ها کرده است و جلد پنجم نیز اردیبهشت‌ماه و همزمان با برپایی نمایشگاه کتاب تهران در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. با اینکه آبنبات‌ها در قالب مجموعه منتشر شده اما جلد نخست آن را طوری نوشته‌ام که حتی به تنهایی هم بتواند کتاب مستقلی باشد. راستش آن زمان به این فکر کردم که شاید داستان اول با استقبال مخاطبان یا ناشر روبه‌رو نشود، اما بعدها شرایط به گونه‌ای پیش رفت که دیدم امکان ادامه این کتاب در مجلدهای بعدی فراهم است.

● در تألیف این مجموعه چقدر ردپای آیین‌ها و رسوم خاص بجنورد دیده می‌شود؟

وقتی پای اقلیم خاصی به یک رمان باز می‌شود، از ظرفیت‌های فرهنگی آن نیز می‌توان بهره گرفت؛ کاری که من هم انجام داده و حتی از گویش رایج در بجنورد استفاده کرده‌ام، اما نه به شکلی که بتوان این مجموعه را داستانی بومی خواند چراکه ماجراهای این مجموعه را می‌شود در هر جغرافیای دیگری به تصویر کشید.

● این رمان را همان‌طور که در سایت‌های فروش آنلاین کتاب هم آمده برای نوجوانان نوشته‌اید؟

نه! برای بزرگسالان نوشته‌ام، اما در خصوص اینکه نوجوانان هم می‌توانند آن را بخوانند یا نه باید بگویم که این بستگی به میزان کتابخوان بودن آنان دارد. البته بازخوردهای خوبی از مخاطبان نوجوان داشته‌ام. آبنبات‌ها را با رویکرد اخلاق‌محور نوشته‌ام، منتهی با بیان طنز. در این مجموعه به برخی از معایب اخلاقی اشاره شده، اما طوری که مخاطب زده نشود. از همین بابت برای نوجوانان نیز می‌تواند اثری خواندنی باشد.

● خودتان این کتاب را به کدام دسته از مخاطبان و با چه سلیقه‌ای پیشنهاد می‌دهید؟

مطالعه این کتاب را به همه پیشنهاد می‌دهم. وقتی نوشتن آن را آغاز کردم دنبال این بودم که نوشته‌ام مثل یک تراپی عمل کرده و به بهبود حال مخاطب، حتی اگر شده در زمانی که آن را می‌خواند کمک کند. این مسأله فارغ از بحث ساختار ادبی و سؤالی که درباره گروه سنی مخاطبان آن پرسیدید برای من مهم بود. برای خانواده در آثارم اهمیت زیادی قائل هستم چراکه شکل درست خانواده در موقع بروز هر مشکلی می‌تواند حامی افراد باشد. مجموعه آبنبات‌ها مسیر گذر از سختی‌هاست، با آنکه در آن مشکلات پیش‌روی زندگی معمول آمده، اما از سویی نشان داده که همانند شخصیت اصلی این کتاب، ما هم می‌توانیم از موانع و سختی‌ها عبور کنیم. البته نه اینکه آنها را نادیده بگیریم، بلکه بتوانیم راه عبور از آنها را بیاموزیم.

روایتی از دوران دانشجویی

آبنبات نارگیلی

> با آنکه شخصیت محسن در این داستان به عنوان یک دانشجو پا به فضای عمومی اجتماع گذاشته است، اما هرگاه فرصتی به دست می‌آورد، وقایع عمومی جامعه را هم از دریچه همان نگاه طنز خود می‌بیند و روایت می‌کند

گروه فرهنگی / با گذشت زمان معمولاً روحیه آدم‌ها تغییر چندانی نمی‌کند و در هر زمانی می‌شود لااقل ته‌مانده‌ای از روحیه قبلی افراد را در آنان دید. مانند آدم‌های شوخ‌طبع که حتی در بحبوحه شرایط دشوار هم رگه‌هایی از روحیه طنز خود را بروز داده و تفاوت نگاه در موقعیت‌های گوناگون را به نمایش می‌گذارند. این مسأله درباره شخصیت «محسن»، در مجموعه کتاب‌های مهرداد صدقی با عنوان کلی آبنبات‌ها صدق می‌کند. مخاطبانی که مجلدهای اول و دوم این مجموعه با عناوین «آبنبات هل‌دار» و «آبنبات دارچینی» را خوانده‌اند با این شخصیت داستانی آشنا هستند. همان قهرمان کم و سن و سال و بازیگوش کتاب «آبنبات هل‌دار» که در مجلد اول، از منظر یک پسربچه کم سن و سال، وقایع پیرامون خود، خانواده و جامعه اطرافش را در مقطع زمانی دهه ۶۰ و در محیط جغرافیایی شهرستان بجنورد، استان خراسان شمالی با زبان طنز روایت می‌کرد. در مجلد دوم این مجموعه راوی اتفاق‌های ریز و درشت همان آدم‌ها در اوایل دهه ۷۰ و در همان موقعیت جغرافیایی بود و حالا در مجلد دیگری از آن مجموعه با عنوان «آبنبات نارگیلی» پای به دنیای جوانی گذاشته و راوی اتفاق‌هایی از دنیای خود و جوانانی است که در نیمه دوم دهه ۷۰ به عنوان دانشجو پا به محیط دانشگاه گذاشته‌اند. با آنکه شخصیت محسن در این داستان به عنوان یک دانشجو پا به فضای عمومی اجتماع گذاشته است، اما هرگاه فرصتی به دست می‌آورد، وقایع عمومی جامعه را هم از دریچه همان نگاه طنز خود می‌بیند و روایت می‌کند که پیش از این در محیط کوچک خانواده و محله و در نهایت شهر کوچک محل سکونت خود، بجنورد می‌دید و روایت می‌کرد. او بعد از قبولی در دانشگاه برای ادامه تحصیل به دانشگاهی در شهر گرگان می‌رود و در آن محیط تازه با دوستان جدید و دانشجویان دیگر آشنا می‌شود که آنها هم دنیای خاص خود را دارند که وقتی رفتار و گفتارشان از دریچه نگاه راوی عبور می‌کند و بیان می‌شود، حلاوت و شیرینی مضاعفی پیدا می‌کند که تداعی‌گر فضای داستان‌های قبلی این مجموعه است. اغلب شخصیت‌ها و قهرمانان داستان‌های قبلی این مجموعه در کتاب حاضر هم به شکل تازه‌ای حضور دارند؛ مانند شخصیت‌های اصلی «بی‌بی»، «ملیحه»، «دایی اکبر»، «مادر»، «آقاجان» و چند شخصیت فرعی دیگر که مخاطبان این مجموعه در مجلدهای قبلی با ویژگی‌های شخصیتی آنها تا حدود زیادی آشنا شده‌اند و در این داستان با وجه دیگری از این شخصیت‌ها مواجه می‌شوند. البته شخصیت بی‌بی در بخش‌های پایانی این کتاب به منزل آخرت سفر می‌کند اما دیگر شخصیت‌های داستانی قبل همچنان در صحنه‌ها و روایت‌ها حضور دارند و در پیشبرد وقایع داستان مؤثر هستند. در کنار این کاراکترهای داستانی، شخصیت‌های دیگری مانند «دریا» با آنکه حضور فیزیکی چندانی در این قسمت از داستان ندارند، اما تأثیر پررنگی در ذهنیت و افکار شخصیت محسن دارند. این بخش از داستان به وضوح تغییر روحیات و دغدغه‌های شخصیت محسن را نشان می‌دهد که در پی سرنوشت تازه‌ای راهی می‌شود.
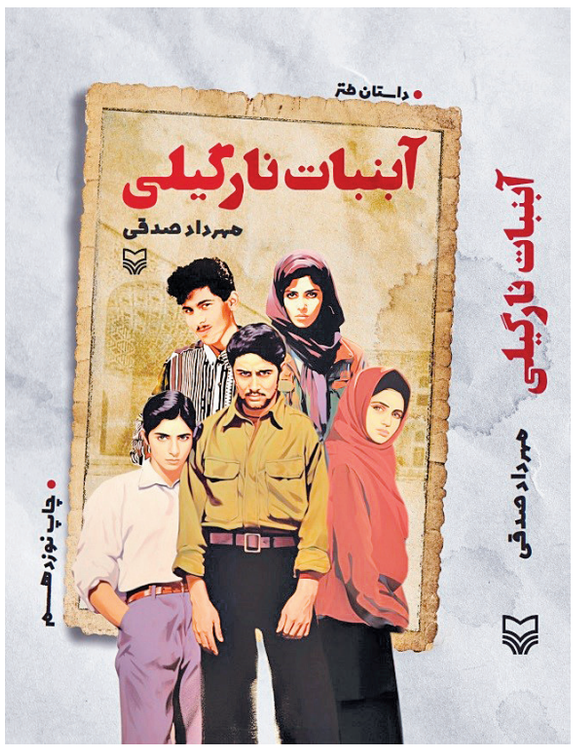
در بخش‌های پایانی داستان، وضعیت تازه روحی و شخصیتی محسن با وضوح بیشتری روایت می‌شود. «پیدا کردن دریا در آن شلوغی کار سختی بود. نمی‌دانستم چه شکلی شده است. هر کسی مرا می‌دید فکر می‌کرد دارم بدچشمی می‌کنم. اما موضوع این بود که دنبال دریایی می‌گشتم که نمی‌دانستم چه شکلی شده و با دیدن هر دختری مجبور بودم با دقت نگاه کنم که آیا خودش است یا نه! یکی دو نفر شبیه او را دیدم. اما چون داشتند با پسرها حرف می‌زدند با خودم گفتم نه این نیست. یکی دو نفر را هم دیدم که گفتم خدا کند این باشد؛ ولی آنها هم نبودند.» دغدغه‌های ذهنی شخصیت مرکزی داستان، محسن با بالا رفتن سن او به مرور تغییر می‌کند. با این حال نگاه طنزآمیز او به شخصیت‌ها و وقایع پیرامونش تغییر چندانی نکرده و قهرمان اصلی این مجلد از سلسله کتاب‌های آبنبات‌ها همچنان از پشت همان عینکی به دنیا نگاه می‌کند که در جلدهای قبلی این مجموعه شاهد بوده‌ایم.